



راز بعثت و نهضت پیامبران؛ چرا این واقعه مبارک ضروری بود؟

در مورد بعثت نبی اکرم حضرت محمد بن عبدالله - صلی الله علیه وآله - سخن های بسیاری گفته شده و شاعران، ادیبان، حکیمان و نویسندگان، هریک به فراخور حال خود، این واقعه شگرف را به نظم و نثر کشیده اند.

در مورد بعثت نبی اکرم حضرت محمد بن عبدالله - صلی الله علیه وآله - سخن های بسیاری گفته شده و شاعران، ادیبان، حکیمان و نویسندگان، هریک به فراخور حال خود، این واقعه شگرف را به نظم و نثر کشیده اند.

اما شاید هیچ کس مانند خاندان پیامبر خاتم، صلی الله علیه وآله، که در درک اسرار بعثت یگانه همه اعصار و در شیوایی و رسایی سخن سرآمد روزگار بوده اند، نتوانسته است حق مطلب را ادا کند و چنان که شایسته این رویداد عظیم است، در مورد آن سخن گوید.

بعثت در کلام امیر مؤمنان علی، علیه السلام

در اولین خطبه نهج البلاغه، امیرمؤمنان - علیه السلام - درباره پیامبران و از جمله پیامبر خاتم می فرماید: پس هر چند گاه پیامبرانی فرستادو به وسیله آنان به بندگان هشدار دادتا حق میثاق الست بگزارند، و نعمت فراموش کرده را به یاد آرند. با حجت و تبلیغ، چراغ معرفتشان را بیفروزند تا به آیت های خدا چشم دوزند؛ از آسمانی بالا برده و زمینی زیرشان گسترده، و آنچه بدان زنده اند و چسان می میرند و ناپاینده اند، و بیماری های پیرکننده و بلاهای پیاپی رسنده. و هیچگاه نبود که خدا آفریدگان را بی پیامبردارد، یا کتابی در دسترس آنان نگذارد، یا حجتی بر آنان نگمارد، یا از نشان دادن راه راست دریغ دارد.

پیامبران که اندک بودند و مخالفشان بسیار، و در دام شیطان گرفتار، در کارخویش در نماندند و دعوت حق را به مردم رساندند. گاه پیامبر پیشین نام پیامبر پس از خود را شنفته، و گاه وصف پیامبر پسین را به امت خویش گفته. زمان اینچنین گذری شد، و روزگار سپری. پدران رفتند و پسران جای آنان را گرفتند تا آنکه خدای سبحان محمد، صلی الله علیه وآله، را پیامبری داد تا دور رسالت را به پایان رساند و وعده حق را به وفا مقرون گرداند، طومار نبوت او به مهرپیامبران مهور و نشانه های او درکتاب آنان مذکور، و مقدم او بر همه مبارک و موجب سرور؛ حالی که مردم زمین، هر دسته به کیشی گردن نهاده بودند، و هر گروه پی خواهشی افتاده، و در خدمت آیینی ایستاده؛ یا خدا راهمانند آفریدگان دانسته، یا صفتی که سزای او نیست بدو بسته، یا به بتی پیوسته و از خدا گسسته. پروردگارآنان را بدو از گمراهی به رستگاری کشاند و از تاریکی نادانی رهاوند.

سپس دیدار خود را برای محمد - صلی الله علیه وآله - گزید و جوارخویش او را پسندید و از این جهانش رهاوند. او را نزد خود برد تا در فردوس اعلی نشیند، و بیش سختی این جهان نبیند.

پس بزرگوارانه او را دیدار ارزانی داشت و او میراثی که پیامبران می نهند برای شما گذاشت، چه آنان امت خویش را وانگذارند مگر با نشان دادن راهی روشن و نشانه ای معین: کتاب پروردگار در دسترس شماست، حلال و حرام آن پیداست، واجب و مستحب آن هویداست، ناسخ و منسوخش روشن، رخصت و عزیمت آن معین، خاص و عامش معلوم، پند و مثلهایش مفهوم، مطلق و مقیدش پدیدار، محکم و متشابهش آشکار، مجمل آن تفسیر شده، و نامفهومش تعبیر شده، از حکمی که بدانند و انجام دانی است، و آنچه ندانند و واگذارند است، حکمی است وجوب آن در قرآن معین، و نسخ آن در سنت مبرهن و حکمی که سنت گوید باید، و کتاب رخصت دهد که ترک آن شاید و حکمی که در وقتی خاص بر مکلف نوشته است، و چون وقتش سپری شدتکلیف هشته است و حرام هایی ناهمسان، با کیفرهایی سخت و یا آسان، گناهی بزرگ که کیفرش آتش آن جهان است، و گناهی خرد که برای توبه کننده امید غفران است، یا آنچه مقبول، میان دشوار و آسان است. (1)

راز بعثت و نهضت پیامبران؛ چرا این واقعه مبارک ضروری بود؟

آن حضرت در قسمتی از خطبه 33 بعثت پیامبر اکرم، صلی الله علیه وآله، را چنین توصیف می کند: خدا محمد را برانگیخت و از عرب کسی کتابی نخوانده بود و دعوی پیامبری نکرده بود. محمد، صلی الله علیه وآله، مردم را به راهی که بایست کشاند، و در جایی که بایدنشاند، و به رستگاری رساند، تا آنکه کارشان استوار و جمعیتشان پایدارگردید. (2)

در خطبه 94 نیز در وصف سلسله پیامبران الهی می فرماید: پس آنان را در بهترین ودیعت جای به امانت سپرد، و در نیکوترین قرارگاه مستقر کرد. از پشتمی به پشت دیگرش داد، همگی بزرگوار، وزهدانهایی پاک و بی عیب و عار. چون یکی از آنان درگذشت، دیگری برای حمایت دین برخاست، و جانشین اوگشت تا آنکه تشریف بزرگواری ازسوی خدای باری، به محمد، صلی الله علیه وآله، رسید، و او را ازبهترین خاندان و گرامیترین دودمان برکشید. از درختی که پیامبران خود را از آن جدا کرد، و امینان خویش را برگزید و بیرون آورد. فرزندان او بهترین فرزندانند، و خاندانش نیکوترین خاندان و دودمان او بهترین دودمان. در گرداگرد مکه روییدند، و در کشتزار بزرگواری بالیدند. شاخه هایشان بلند و سر به آسمان کشیده است و دست کسی به میوه آن نارسیده.

او پیشوای کسی است که راه پرهیزگاری پوید، و چراغ آن است که راهنمایی جوید. چراغی است که پرتو آن دمید، و درخششی است که روشنی آن بلند گردید، و آتشنزنی ای است، که نور آن درخشید. رفتار او میانه روی در کار است، و شریعت او راه حق را نمودار. سخنش حق را از باطل جداسازد، و داوری او عدالت است - و ستم را براندازد - او را هنگامی فرستاد که پیامبران نبودند - و مردمان - به خطاکار می نمودند، و امتان در گولی و نادانی می غنودند.

خداتان پیامزاد! به کار پردازید، و نشانه های آشکار را پیشوای خودسازید تا که راه گشاده است و راست، و شما را به خانه ای می خواند که سلامت آنجاست. شما در خانه ای به سر می برید که باید خشنودی خدا را در آن به دست آرید، در مهلت و آسایش خاطری که دارید، که نامه ها گشوده است و خامه فرشتگان روان، تن ها درست است و زبانها گردان.

توبه شنفته است و کردارها پذیرفته. (3)

امیر مؤمنان، علیه السلام، در خطبه 95 به توصیف وضعیت مردمان تا پیش از برانگیخته شدن حضرت ختمی مرتبت، صلی الله علیه وآله، پرداخته می فرماید: او را برانگیخت، حالی که مردم سرگردان بودند، و بیراهه فتنه را می پیمودند. هوا و هوسشان سرگشته ساخته، بزرگی خواهی شان به فرودستی انداخته. از نادانی گرفتار.

او که درود خدا بر وی باد، خیرخواهی را به نهایت رساند، به راه راست رفت، و از طریق حکمت و موعظه نیکو مردم را به خدا خواند. (4)

آن حضرت در قسمتی از خطبه 96 نیز حضرت ختمی مرتبت را چنین توصیف می کند: قرارگاه او بهترین قرارگاه است و خاندان او را شریفترین پایگاه است، از کانهای ارجمندی و کرامت، و مهدهای پاکیزگی و عفت. دلهای نیکوکاران به سوی او گردیده. دیده ها در پی او دویده. کینه ها را بدو بنهفت و خونابه برکت او بخفت. مؤمنان را بدو برادران هم کیش ساخت و جمع کافران را پریش خواران را بدو ارجمندساخت و سالار، و عزیزان را بدو خوار.

گفتار او ترجمان هر مشکل است و خاموشی او زبانی گویا برای اهل دل. (5)

و سرانجام در خطبه 110 در ذکرپیامبر اکرم، صلی الله علیه وآله، می فرماید: دنیا را خوار دید، و کوچکش شمرد، سبکش گرفت و هیچش به حساب آورد و دانست که خدا دنیا را از او گرفت چون چنین خواسته بود، و دیگری را ارزانی داشت چون حقیر می بود. پس به دل از آن روی برگرداند، و پادش را در خاطر خویش میراند و دوست داشت که زینت دنیا از دیده اش نهان شود تا از آن رختی گرانبها نگزیند، و امید ماندن در آن به دلش ننشیند. رسالت پروردگار را چنان رساند، که برای کسی جای عذرماند و امت خود را اندرز گفت و ترساند و مژده بهشتشان داد، و بدان خواند.

ما درخت نبوتیم و فرود آمد نگاه رسالت، و جای آمد شد فرشتگان رحمت، و کانهای دانش و چشمه سارهای بینش. یاور و دوست ما، امید رحمت می برد و دشمن و کینه جوی ما، انتظار قهر و سطوت. (6)

بعثت در کلام فاطمه زهرا - علیهاالسلام

پاره تن رسول خدا، حضرت فاطمه زهرا، علیهاالسلام، که در خانه وحی پرورده شده بود و صدای بال جبرئیل را شنیده بود پس از رحلت نبی اکرم، صلی الله علیه وآله، و در پی جفای بزرگی که امت پیامبر در حق خاندان او روا داشتند، با قلبی پر خون به مسجد مدینه درآمده و رو به مردم غفلت زده خطبه ای ایراد می کند که در تاریخ سخنوران عرب جاودانه

می شود. آن حضرت در این خطبه به زیباترین بیان بعثت و رسالت نبی اکرم، صلی الله علیه وآله، به وصف می کشند و حال و روز مردم جزیرالعرب را قبل و بعد از بعثت به تصویر در می آورند.

حضرت فاطمه زهرا، علیها السلام، در ابتدای خطبه مزبور به حمد و ثنای الهی پرداخته و می فرماید: ستایش خدای را بر آنچه ارزانی داشت و سپاس او را بر اندیشه نیکوکه در دل نگاشت. سپاس بر نعمتهای فراگیر که از چشمه لطفش جوشید. و عطاهای فراوان که بخشید. و نثار احسان که پیاپی پاشید. نعمتهایی که از شمار افزون است. و پاداش آن از توان بیرون. و درک نهایتش نه در حد اندیشه ناموزون.

سپاس را مایه فزونی نعمت نمود

و ستایش را سبب فراوانی پاداش فرمود. و به درخواست پیاپی بر عطای خود بیفزود. گواهی می دهم که خدای جهان یکی است. و جز او خدایی نیست. ترجمان این گواهی دوستی بی آرایش است. و پای بندگان این اعتقاد، دل‌های با بینش. و راهنمای رسیدن بدان، چراغ دانش. خدایی که دیدگان او را دیدن نتوانند، و گمانها چونی و چگونگی او را ندانند. همه چیز را از هیچ پدید آورد. و بی نمونه ای انشا کرد. نه به آفرینش آنها نیازی داشت.

و نه از آن خلقت سودی برداشت. جز آنکه خواست قدرتش را آشکار سازد و آفریدگان را بنده وار بنوازد. و بانگ دعوتش را در جهان اندازد. پاداش رادر گرو فرمانبرداری نهاد. و نافرمانان را به کیفر بیم داد. تا بندگان را از عقوبت برهاند، و به بهشت کشاند. (7)

آن حضرت در ادامه در بیان آفرینش و بعثت حضرت ختمی مرتبت می فرماید: گواهی می دهم که پدرم محمد بنده او و فرستاده اوست. پیش از آنکه او را بیافریند برگزید. و پیش از پیمبری تشریف انتخاب بخشید و به نامیش نامید که می سزید.

و این هنگامی بود که آفریدگان از دیده نهان بودند. و در پس پرده بیم نگران. و در پهنه بیابان عدم سرگردان. پروردگار بزرگ پایان همه کارها را دانا بود. و بر دگرگونی های روزگار در محیط بینا. و به سرنوشت هر چیز آشنا. محمد، صلی الله علیه وآله، را برانگیخت تا کار خود را به اتمام و آنچه را مقدر ساخته به انجام رساند. پیغمبر که درود خدا بر او باد دید: هر فرقه ای دینی گزیده. و هر گروه در روشنایی شعله ای خزیده و هر دسته ای به بتی نماز برده و همگان یاد خدایی را که می شناسند از خاطر سترده اند.

پس خدای بزرگ تاریکیها را به نور محمد روشن ساخت. و دلها را از تیرگی کفر بپرداخت. و پرده هایی که بر دیده ها افتاده بود به یک سوانداخت. سپس از روی گزینش و مهربانی جوار خویش را بدو ارزانی داشت. و رنج این جهان که خوش نمی داشت، از دل او برداشت. و او را در جهان فرشتگان مقرب گماشت. و چتر دولتش را در همسایگی خود افراشت.

و طغرای مغفرت و رضوان را به نام او نگاشت.

درود خدا و برکات او بر محمد، صلی الله علیه وآله، پیمبر رحمت، امین وحی و رسالت و گزیده از آفریدگان و امت باد. (8)

آنگاه رو به مجلسیان کرده و آنچه پیامبر خاتم، صلی الله علیه وآله، بر آنها ارزانی داشته بود، چنین برمی شمارد:

شما بندگان خدا! نگاهبانان حلال و حرام، و حاملان دین و احکام، و امانت داران حق و رسانندگان آن به خلقید.

حقی را از خدا عهده دارید و عهده ای را که با او بسته اید پذیرفتار. ماخذان را در میان شما به خلافت گماشت. و تاویل کتاب الله را به عهده ما گذاشت. حجت‌های آن آشکار است، و آنچه درباره ماست پدیدار. و برهان آن روشن. و از تاریکی گمان به کنار و آوای آن در گوش مایه آرام و قرار. و پیرویش راهگشای روضه رحمت پروردگار. و شنونده آن در دو جهان رستگار.

دلایل روشن الهی را در پرتو آیت های آن توان دید. و تفسیر احکام واجب او را از مضمون آن باید شنید.

حرامهای خدا را بیان دارنده است. و حلال های او را رخصت دهنده. و مستحبات را نماینده. و شریعت راراهگشاینده. و این همه را با رساترین تعبیر گوینده. و با روشن ترین بیان رساننده. سپس ایمان را واجب فرمود.

و با نماز خودپرستی را از شما دور نمود. روزه را نشان دهنده دوستی بی آمیغ ساخت. و زکات رامایه افزایش روزی بی دریغ. و حج را آزماینده درجات دین. و عدالت را نمودار مرتبه یقین. و پیروی ما را مایه وفاق. و امامت ما را مانع افتراق. و دوستی ما را عزت مسلمانی. و بازداشتن نفس را موجب نجات، و قصاص را سبب بقا زندگانی. وفا به نذر را موجب آمرزش کرد. و تمام پرداختن پیمان و وزن را مانع از کم فروشی و کاهش. فرمودمی خوارگی نکنند تا تن و جان از پلیدی پاک سازند و زنان پارسا را تهمت نزنند، تا خویشان را سزاوار لغت نسازند. دزدی را منع کرد تا راه عفت پویند. و شرک را حرام فرمود تا به اخلاص طریق یکتا پرستی جویند؛ چنانکه باید، ترس از خدا را پیشه گیرید و جز مسلمان ممیرید!؛ آنچه فرموده ست بجا آرید و خود را از آنچه نهی کرده بازدارید که «تنها دانایان از خدا می ترسند». (9)

حضرت زهرا، علیها السلام، در بخش دیگری از این خطبه به تلاشی که پدر ارجمندش برای گسترش توحید و اسلام متحمل شد اشاره کرده و می فرماید:

مردم، چنانکه در آغاز سخن گفتم: من فاطمه ام و پدرم محمد، صلی الله علیه و آله، است؛ همانا پیغمبری از میان شما به سوی شما آمده که رنج شما بر او دشوار بود، و به گرویدنتان امیدوار و بر مؤمنان مهربان و غمخوار؛ اگر او را بشناسید می بینید او پدر من است، نه پدر زنان شما. و برادر پسر عموی من است نه مردان شما. اورسالت خود را به گوش مردم رساند. و آنان را از عذاب الهی ترساند. فرق و پشت مشرکان را به تازیانه توحید خست. و شوکت بت پرستان را در هم شکست.

تا جمع کافران از هم گسیخت.

صبح ایمان دمید و نقاب از چهره حقیقت فرو کشید. زبان پیشوای دین در مقال شد. و شیاطین سخنور لال. (10)

آن حضرت وضعیت مردم را در پیش از بعثت چنین به تصویر می کشد؛ در آن هنگام شما مردم بر کنارمغاک از آتش بودید خوار و در دیده همگان بی مقدار. لقمه هر خورنده. و شکار هر درنده. و لگدکوب هر رونده. و نوشیدنیان آب گندیده و ناگوار. خوردنیان پوست جانور و مردار. پست و ناچیز و ترسان از هجوم همسایه و همجوار. تا آنکه خدا بافرستادن پیغمبر خود، شما را از خاک مذلت برداشت. و سرتان را به اوج رفعت افراشت.

پس از آن همه رنجها که دید و سختی که کشید. رزم آوران ماجراجو، و سرکشان درنده خو. و جهودان دین به دنیا فروش، و ترسایان حقیقت نانیوش، از هر سو بر وی تاختند. و با او نرد مخالفت باختند.

هر گاه آتش کینه افروختند، آن را خاموش ساخت. و گاهی که گمراهی سر برداشت، یا مشرکی دهان به ژاژانداشت، برادرش علی را در کار آنان انداخت. علی، علیه السلام، باز نایستاد تا بر سر و مغز مخالفان نواخت. و کار آنان با دم شمشیر بساخت.

او این رنج را برای خدا می کشید. و در آن خشنودی پروردگار و رضای پیغمبر را می دید. و مهتری اولیای حق را می خرید. اما در آن روزها، شما در زندگانی راحت آسوده و در بستر امن و آسایش غنوده بودید. (11)

فاطمه زهرا، علیها السلام، در ادامه سخن به جفایی که امت محمد، صلی الله علیه و آله، پس از وفات ایشان با خاندانش روا داشتند اشاره کرده و می فرماید: چون خدای تعالی همسایگی پیمبران را برای رسول خویش گزید، دورویی آشکار شد، و کالای دین بی خریدار. هر گمراهی دعوی دار و هر گمنامی سالار. و هر یاهو گویی درکوی و برزن در پی گرمی بازار. شیطان از کمینگاه خود سر برآورد و شما را به خود دعوت کرد. و دید چه زود سخنش را شنیدند و سبک در پی او دویدید و در دام فریبش خریدید. و به آواز او رقصیدند. (12)

پی نوشتها:

1. شهیدی، سید جعفر، ترجمه نهج البلاغه، ص 6 - 7.

2. همان، ص 34.

3. همان، ص 87.
4. همان، ص 88.
5. همان.
6. همان، ص 106.
7. شهیدی، سید جعفر، زندگانی فاطمه زهرا، علیهاالسلام، ص 126 - 127.
8. همان، ص 127 - 128.
9. همان، ص 128 - 129.
10. همان، ص 130.
11. همان، ص 130 - 131.
12. همان، ص 131.